



# رسانه و ارتباط

وحید حیاتی

یکی از عواملی که دنیای مدرن و جوامع بشری را تحت تأثیر خود قرار داده است، گوناگونی رسانه‌ها و فضایی است که رسانه‌ها ایجاد کرده‌اند و بالطبع باعث بالا رفتن سطح آگاهی و دانش عمومی و فرهنگ شده است. امروزه گسترش رسانه‌ها شاخصی برای توسعه فرهنگی جوامع محسوب می‌شود. با توسعه فرهنگی که رسانه‌ها عامل اصلی آن هستند، خودآگاهی جمعی گسترش یافته است و منجر به توسعه سیاسی، اقتصادی و پیشرفت در دیگر علوم می‌شود. رسانه‌ها نمودی از تکنولوژی در دنیای مدرن هستند و هر روزه تکنولوژی با پیشرفتهای خود به رسانه گسترش بیشتری می‌دهد. رسانه‌هایی هم‌چون رادیو و تلویزیون تأثیرات زیادی بر نهاد خانواده، سیاست، اجتماع و آموزش داشته‌اند که با گسترش و پیشرفت هر چه بیشتر تکنولوژی‌های رسانه‌ای این تأثیر بیشتر هم می‌شود.

ارتباطات انسانی دیگر تنها شفاهی است و نسبت ارتباطاتی دیگر از حالت طرفینی خارج و یک‌سویه شده و تکنولوژی رسانه‌ای این نوع ارتباط را ایجاد کرده است. انسان در مقابل رادیو، تلویزیون و... قرار می‌گیرد و محتوا را از این رسانه‌ها دریافت می‌کند و به نحوی ارتباط یک‌سویه برقرار است.

دنیای امروز، ارتباط مستمر یا کنش متقابل میان انسان‌هایی است که بسیار جدا از یکدیگر در عین حال وابسته‌اند. در گذشته سنت‌ها در اجتماع محلی منتقل می‌گشت و اندیشه کلی فرهنگی به تدریج در مناطق وسیع منتشر می‌گردید ولی فرآیندهای انتشار فرهنگی طولانی، کند و ناپویسته بودند. دیگر امروزه ما از اوضاع و رویدادهای کشورهای و مناطق دیگر جهان آگاهییم. ارتباطات الکترونیکی و تکنولوژی‌های ارتباطی است که چنین امکانی را فراهم

۱. اگرچه روند تعامل رفته رفته و اندکی است که در میان رسانه‌ها جای باز کرده است ولی در گذشته در مباحث ارتباطی، ارتباط یک‌سویه، یکی از ویژگی‌های چنین رسانه‌هایی تلقی می‌شد.

آورده است. رسانه‌هایی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و... اغلب در ارتباط با یکی از کارکردهای رسانه‌ای یعنی سرگرمی در نظر گرفته می‌شوند و البته به نحوی نیز کم‌اهمیت تلقی می‌شوند که باید گفت این نگرش ناشی از سطحی‌نگری به مباحث رسانه‌ای است. در واقع این رسانه‌ها با محتوای خود در بسیاری از جنبه‌های فعالیت‌های اجتماعی ما دخالت دارند. وسایل ارتباطی هم‌چون تلویزیون و رادیو در تجربه‌های ما مؤثر هستند. جدا از آن‌که بر نگرش‌های ما به شیوه‌های خاصی تأثیر می‌گذارند. آن‌ها وسایل ارتباطی‌ای هستند که بنیادی از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی به اطلاعات ارسال شده از طریق آن‌ها بستگی دارد. به هر حال می‌توان گفت که همه انسان‌ها تحت تأثیر رسانه‌ها هستند و رسانه‌ها به نحوی بر زندگی همه انسان‌ها تأثیر می‌گذارند.

در این میان تلویزیون به خاطر حضور در حریم خصوصی (خانه) تأثیرات زیادی بر زندگی انسان‌ها گذاشته است و مردم اوقات بسیاری از زندگی خود را کنار تلویزیون می‌گذرانند. تجربه‌های فردی و اجتماعی بسیاری را از تلویزیون کسب می‌کنند. مردم حتی بسیاری از فعالیت‌های خود را پیرامون برنامه‌های تلویزیونی معین تنظیم می‌کنند. این مسئله از طرفی تهدیدی بر تغییرات رفتاری، عقیدتی و حتی نگرش‌های اجتماعی محسوب می‌شود و از طرفی دیگر فرصتی است که به صاحبان اندیشه، دولت‌ها و نظام‌های مختلف اعطاء شده است تا در راستای نیات خود در حوزه‌های عمومی و فردی اجتماع تأثیر بگذارند. تلویزیون در گستره جهانی، امروزه یکی از بازیگران سیاسی و اجتماعی در صحنه‌های بین‌المللی است. در واقع در دنیای جدید، چنین رسانه‌ای با اطلاع‌رسانی میان ملل و فرهنگ‌های مختلف ارتباط برقرار می‌کند و اخبار و گزارش‌ها را به سراسر جهان مخابره می‌کند و البته از این راه نیز به نوعی تمام افکار عمومی جهان، به زیر سلطه فکری و فرهنگی چنین رسانه‌ای قرار می‌گیرد. یکی از نقش‌های مهمی که رسانه‌ها به ویژه تلویزیون در عرصه تحولات سیاسی، اجتماعی، بین‌المللی ایفاء می‌کند، در کنار و به نحوی در خدمت انقلاب‌ها بودن است. اگر انقلاب را در

مفهوم وسیع آن تحول در تمام زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی، تلقی کنیم، به گونه‌ای با اهداف یک رسانه (تلویزیون) هم‌پوشانی دارد و گویی در یک افق حرکت می‌کنند. این امر در بسیاری از انقلاب‌های عقیدتی و فکری دهه هفتاد میلادی به بعد به چشم می‌خورد که پس از حضور چشم‌گیر رسانه تلویزیون در میان رسانه‌های جمعی به قدرت آن در شکل‌گیری انقلاب‌ها و حمایت از آنها پی بردند. در واقع تلویزیون به نحوی در کنار آن انقلاب‌ها به حیات ویژه خود در این زمینه نیز ادامه داد. به عبارتی دیگر فراتر از سرگرمی‌نگریستن، شیوه و روشی در اختیار سازمان یک تلویزیون قرار گرفت.

در ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی رسانه رادیو و تلویزیون نیز در خدمت اهداف و آرمان‌های آن قرار گرفتند و به عنوان رسانه‌های انقلابی مسئولیتی بس خطیر را در قبال انقلاب اسلامی بر عهده گرفتند. به عبارتی بیان مواضع، دستاوردها و به نحوی صدور انقلاب از رسالت‌های سنگین این رسانه‌ها محسوب می‌گردید که تلویزیون به خاطر دیداری و شنیداری بودن از اهمیت فوق‌العاده‌ای در این میان برخوردار شد و جایگاه والایی در شکل‌دادن به آن رسالت‌ها یافت.

رویکرد رسانه تلویزیون به انقلاب و تاریخ آن هر چند در اوایل شکل‌گیری انقلاب احساساتی‌تر و مبتنی بر هیجان و مناسب با فضای انقلاب بود ولی به تدریج در وضعیت باثبات نظام و انقلاب و فارغ از جریان‌ات احساسی، جریانی مبتنی بر عقلانیت و بالطبع ترسیم افق انقلاب در این رسانه شکل گرفت و برنامه‌های مختلف در قالب‌های گوناگون در راستای این هدف سامان یافتند. در نتیجه برنامه‌های گوناگون با هدف واکاوی تاریخ انقلاب، بررسی ریشه‌های شکل‌گیری، هم‌چنین اهداف انقلاب و عملکرد انقلاب و... تولید شدند که البته در چند سال گذشته این امر با سرعت بیشتر و دقیق‌تر به مرحله عمل رسیده است و جالب آن‌که این رویکرد از جانب مخاطبان نیز مورد توجه قرار گرفته و مقبولیت عام یافته است. در این مرحله سهم آثار با قالب‌های مستند و گفت‌وگو بیشتر از سهم قالب‌های نمایشی است که خود هم

حاکمی از ضعف در قالب نمایشی بوده و هم می‌تواند حاکمی از فرصتی باشد که در اختیار دیگر قالبها گذارده شده تا با جاهتی که در استناد به واقعیت دارند و به نوعی ویژگی غالب آنها نیز محسوب می‌شود، بهتر بتوانند در تبیین دستاوردهای انقلاب کوشش کنند. این مسئله به نوعی بستری است تا رویکرد به اهداف و آرمان‌های انقلاب در این برهه با توجه به فضایی که ایجاد شده است، به کامیابی برسد و به نحوی از فرصت‌ها استفاده گردد. این اتفاق و رویکرد را در مستند دفاع مقدس که به همت گروه خبری تلویزیون تولید گردید و با اقبال عمومی نیز مواجه شد نیز می‌توان دید که در مقوله اطلاعات مربوط به جنگ تحمیلی نوآوری نمودند.

البته ناگفته نماند که پرداختن به مسائل انقلاب و آکای آن تاریخ پرمغز و مسلماً بسیار پندآموز طبیعتاً محمل، عرصه و فرصتی برای استفاده صحیح از آن منبع غنی است که به ما می‌آموزد، رسانه‌ای با اهداف انقلابی در چهارچوب آرمان‌های آن تنها سلبی نمی‌تواند به امور بنگرد و بنابر خصیلت ذاتی رسانه می‌تواند جنبه ایجابی را نیز دستمایه خود قرار دهد. در واقع تولید آثار، افکار و اندیشه‌ها همان هدف ایدئولوژیک بودن رسانه به عنوان زبان گویای انقلاب را تأمین خواهد نمود که می‌تواند دستمایه خلق آثار نو، پرمحتوا در آن راستا باشد. فراموش نباید کرد که رسانه می‌تواند در کنار انقلاب باشد و نباشد، اگر نباشد می‌تواند اذهان جامعه و اندیشه عمومی اجتماع را به بسیاری از مسائل غیر واقعی، فانتزی و در عین حال جذاب منحرف نماید و می‌تواند در کنار باشد آن گونه که خود مروج اندیشه‌ها و افکار بلند انقلاب گردد.

در پناه حق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی